

تصویری از پیامبر اسلام ﷺ در دائرة المعارف امریکانا*

نویسنده: فیلیپ کی. هیتی

مترجم: آقای حسن عبدی**

ناقد: دکتر محمدرضا جباری***

[حضرت] «محمد» [ص] (۵۷۱/۵۷۰-۶۳۲ م)، پیامبر الله و بنیانگذار اسلام است، که تعداد پیروانش به ۶۰۰ میلیون نفر می‌رسد. وقایع دوران کودکی [حضرت] محمد [ص] چندان روشن نیست. نخستین گزارش، سیره رسول الله، نوشته ابن اسحاق (حدود ۷۶۷ م)، بیش از یک قرن پس از وفات [حضرت] محمد [ص] نگاشته شده است. (۱) این وقایع بجز در شرح ابن هشام، که دو قرن پس از [حضرت] محمد [ص] از دنیا رفت، ثبت و ضبط نگردیدند.

تاریخ دقیق تولد [حضرت] محمد [ص] مشخص نیست، هر چند باید زمانی بین ۵۷۰ و ۵۷۱ باشد. حتی این که

نام کوچک او چه بود نیز مشخص نیست. به نظر می‌رسد «محمد» [ص]، یعنی نامی که او در جهان به آن شناخته می‌شود و به معنای «بسیار ستایش شده» است، برای احترام به کار می‌رود. طبق آیه‌ای (سوره ۶:۶۱) از قرآن (کتاب مقدس مسلمانان که اغلب به صورت رومی «Koran» نوشته می‌شود) این نام شکل دیگری بنام «احمد» (بیشتر قابل ستایش)، به خود می‌گیرد. همشهریانش او را «امین» (قابل اعتماد) نیز می‌نامیدند. (۲)

اوایل زندگی

از ارجاعات نامنظم به قرآن و از بررسی نقادانه مطالبی که درباره [حضرت]

*** کاری از بخش ترجمه و نقد مؤسسه شیعه‌شناسی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

*** عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

محمد [ص] دوازده ساله با عمویش در سفر به سوریه، چنان با داستان‌های ساختگی آب و تاب یافته است که می‌توان در صحت آن شک کرد. به هر حال، طبق یک افسانه، او در این سفر با «بحیرا» راهب مسیحی، در «بسری»، جنوب دمشق، ملاقات کرد. بحیراء [حضرت] محمد [ص]، نبوت بزرگ آینده را دید و بر بدن او نشانه‌های مشخصی، از جمله مهر منصب نبوت را میان شانه هایش شناخت. (۳)

دعوت

[حضرت] محمد [ص] در سن ۲۳ سالگی، با خدیجه، بیوه‌ای ثروتمند، پرتلاش و ثابت قدم، ازدواج کرد. (۴) خدیجه، که از اعضای قبیله قریش و تاجر موفق بود، تقریباً ۱۵ سال از او بزرگ‌تر بود. (۵) [حضرت] محمد [ص] پس از مرگ او در سال ۶۲۰ به تدریج، تعداد همسرانش را تقریباً به دوازده رساند. خدیجه، مادر فاطمه - دختر [حضرت] محمد [ص] - و تنها فرزندی که از پیامبر زنده مانده است، بود. [حضرت] فاطمه

محمد [ص] گردآوری شده است، می‌توان به واقعیت‌های نسبتاً مطمئنی درباره دوره قبل از مبعوث شدنش به نبوت دست یافت. محل تولد او مکه بود که به تعبیر قرآن (۱۴:۴۰) در «دزه‌ای بی کشت و زرع» قرار گرفته است. قریش، قبیله‌ای که [حضرت] محمد [ص] به آن تعلق داشت قبیله‌ای شریف بود که تولیت حرم آن شهر را به عهده داشت و با کاروان تجاری سروکار داشت. خانواده نزدیک او ساده و بی آرایش بودند. عبدالله، پدرش، درست پیش از تولد او درگذشت. و آمنه، مادرش زمانی که او حدوداً شش ساله بود، از دنیا رفت. نقل‌ها حاکی از آن است که او را به عنوان شیرخوار به مادر رضاعی بادیه نشینی سپردند. قرآن به طور صریح، به کودکی محقرانه [حضرت] محمد [ص] اشاره دارد: «مگر نه این که تو را یتیم یافت، پس پناه داد» (۹۳:۶) بعدها این یتیم به خانه عبدالمطلب، پدر بزرگش، رفت که دو سال بعد در حالی درگذشت که پسرش، ابوطالب، را متولی [نگه داری] دست پرورده خود قرار داده بود. قصه همراه شدن [حضرت]

[حضرت] محمد [ص] درس نخوانده، متحیر و مردّد گشت. اما ندا تکرار شد: «بخوان، و پروردگار تو کریم‌ترین [کریمان] است... (و) آنچه را انسان نمی‌دانست [به او] آموخت.»

بدین سان، پیامبر نخستین دعوتش را دریافت کرد. بعدها تاریخ دقیق این حادثه مقارن آخر ماه روزه‌داری، «رمضان»، در سال ۶۱۰ ثبت شد. (۷) آن شب «شب قدر» (۱:۹۷) نامیده شد و همچنان در ترکیه و بخش‌های دیگر جهان اسلام با احترام بسیار و مناسک خاصی گرامی داشته می‌شود. به زودی روشن شد ندایی که برای نخستین بار مانند «طنین زنگوله‌ها» به گوش [حضرت] محمد [ص] رسید، ندای جبرئیل بود. (۸)

پیام

نخستین کلام [حضرت] محمد [ص] در منصب نبوت، شکل نثر دارای قافیه، از همان نوع که توسط غیبگویان، طالع بین‌ها و کاهن‌های کافر به کار می‌رفت، به خود گرفت. (۹) او و پیروانش این مطلب را، که یک اُمّی (شخص درس نخوانده) توانست

[س] با [حضرت] علی [ع]، پسر عموی [حضرت] محمد [ص] ازدواج کرد که همه کسانی که نسبشان به پیامبر می‌رسد از نسل او هستند.

[حضرت] محمد [ص] از طریق ازدواج با خدیجه، به قدر کافی امنیت اقتصادی به دست آورد که بتواند اهداف خود را پی‌گیری کند. او به زودی پس از آن، در پی عزلت بر آمد و در غاری خارج از مکه به مراقبه پرداخت.

در این مدت [حضرت] محمد [ص] می‌بایست مطمئناً با افکار خاص یهودی - مسیحی در مورد خدا و بشر و رابطه متقابل آنها آشنا شده باشد. ظاهراً او بسیار تحت تأثیر این امر قرار گرفته بود که یهودیان و مسیحیان آشنای او، دارای کتاب مقدس‌اند و در رفاه و ترقی به سر می‌برند، در حالی که مردم عرب [قبیله] او کتاب مقدسی ندارند و از تمکن مالی کم‌تری برخوردارند. (۶)

از قرار معلوم، گویا زمانی که او در غار عزلت بسر می‌برد، ندایی شنید که به او دستور می‌داد: «بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از خون بسته آفرید.»

محمد [ص] مردّد و عملاً دشمن بودند. در این‌که دشمنی آن‌ها انگیزه‌ای اقتصادی داشت، شکی وجود ندارد. متولیان کعبه - حرمی در مکه مشتمل بر [مجسمه] خدایان بسیار و مرکزی برای زیارت اعراب - بخش زیادی از ثروت خود را از زائران به دست می‌آوردند. از این رو آنها نمی‌توانستند نسبت به اعتقاد جدیدی که قداست مکه به عنوان مرکز زیارتی را متزلزل می‌ساخت، بی‌اعتنا باشند.

در حدود سال ۶۱۵ گروه کوچکی از

پیروان [حضرت] محمد [ص] از وطن خود به حبشه مسیحی (اتیوپی) گریختند تا از آزار و اذیت بیش‌تر در امان بمانند. انتخاب چنین پناهگاهی نشان می‌دهد آن‌ها به مسیحیت به عنوان دینی می‌نگریستند که نزدیک‌ترین ارتباط را با دین آن‌ها دارد. اهل مکه هیأتی را برای استرداد پناه جوینان گسیل داشتند که موفقیت‌آمیز نبود. در همین زمان، [حضرت] محمد [ص] و کسانی که با او مانده بودند، در مکه از هر نظر، تحت محاصره قرار داده شدند تا

نثر بی‌نقص و عیبی ارائه دهد، معجزه‌ای بر اثبات نبوت او دانستند. او معجزه دیگری ارائه نداد و مدّعی آن هم نشد. (۱۰)

نخستین تعلیمات او حول محور توحید خدا، صفات خدا و ماهیت جهان واپسین دور می‌زند. زمانی که مردم قادر به پاسخ دادن نبودند، بر آموزه روز جزا، که شامل پاداش صالحان و کیفر ظالمان می‌شد، تأکید می‌گردید. این آموزه بسته به نوع واکنش، به عنوان عامل تحریک یا عامل بازدارنده به کار می‌رفت. (۱۱)

نخستین صحابه

نخستین اصحاب [حضرت] محمد [ص] غالباً از نظر اجتماعی، فرومایه و از نظر اقتصادی، ناراضی بودند. گذشته از این‌ها، نخستین ایمان آورندگان به او عبارت بودند از: خدیجه [س]، [حضرت] علی [ع]، پسر عموی او (پسر ابوطالب) و ابوبکر، تاجری که بعدها نخستین خلیفه جامعه اسلامی شد. (۱۲) اینان همگی از قبیله قریش بودند. اما بسیاری از افراد قبیله نسبت به پذیرش مکاشفه [حضرت]

داشت، جست و جو کرد. برخی از شهروندان این شهر [حین] مراسم زیارتی در نزدیکی مکه، با [حضرت] محمد [ص] ملاقات کردند و به طور آشکار، او را در این عقیده تشویق نمودند؛ زیرا [به نظر آنها] برخی از اهل یثرب یهودی بوده و منتظر ظهور چنین رهبری هستند، [و طبعاً] به پذیرش نبوت او علاقه‌مند خواهند بود. در ۱۶ جولای ۶۲۲ برخی از صحابه [حضرت] محمد [ص] جلوتر از او به یثرب رفتند. او در حالی که ابوبکر تاجر همراهی اش می‌کرد، در ۲۴ سپتامبر ۶۲۲ به آن جا رسید. از آن پس، یثرب به «مدینه» (شهر پیامبر) نامیده شد. این مهاجرت به «هجرت»، یعنی قطع ارتباط او با مکه نامیده شد. هجرت نقطه عطفی در زندگی [حضرت] محمد [ص]، و در تاریخ اسلام پدید آورده است.

این تاریخ، ۱۶ جولای ۶۲۲، نخستین مبدأ تاریخ نگاری مسلمانان گردید و به عنوان نقطه آغاز تقویم جدید انتخاب شد. سال مسلمانان سال قمری است که شش ماه آن ۲۹ روز و شش ماه دیگر ۳۰ روز دارد.

شاید گرسنگی، آنها را وادار به تسلیم کند.

در همین ارتباط، آیاتی بر پیامبر نازل شد که نه تنها به حَقانیت اللّٰه - همان که تاکنون به عنوان تنها خداوند توسط [حضرت] محمد [ص] اعلام شده بود - بلکه همچنین سه الهه‌ای که در مکه پرستش می‌شدند نیز تصدیق کرد. اهل مکه که از چنین پذیرش و توافقی خشنود شده بودند محاصره را پایان دادند و تبعید شدگان نیز بازگشتند. بعدها [حضرت] محمد [ص] پس از ملاقات با جبرئیل، که به او گفت آیات مربوط به شفاعت الهه‌ها توسط شیطان «بر زبان او» جاری شده، الهام‌های مذکور را پس گرفت. (۱۳)

هجرت

آتش بس میان پیامبر و خویشاوندان اشرافی او موقتی بود. [حضرت] محمد [ص] پس از اقامتی کوتاه در «طائف»، که آبادی کوهستانی‌ای در شرق مکه بود، محل اقامت مطمئن‌تری در «یثرب» که در فاصله دورتری از مکه قرار

دوره مدنی

هجرت سرآغاز دوره مدنی در زندگانی پیامبر بود. او در مدینه، موفقیت‌های قابل توجهی به دست آورد که بیش‌تر به جنبه سیاست‌مداری او مربوط بود تا به نبوت او. (۱۴) در این شهر، او عقد ازدواج‌های زیادی بست که برخی برای اهداف سیاسی بود و بقیه به هدف داشتن وارثی. یکی از ازدواج‌های او با «حفصه»، دختر عمر بود؛ یعنی همان کسی که جزو نخستین ایمان‌آوردگان به [حضرت] محمد [ص]، می‌باشد. (۱۵) ازدواج دیگر او با «عایشه» کودک، دختر ابوبکر، بود. عایشه، که هم‌جا طلب بود و هم زیگر، تأثیر عمده‌ای در زندگی همسر خود بجا گذاشت و به مرور، بر همه همسران دیگر او برتری یافت. (۱۶) بسیاری از احادیثی که به [حضرت] محمد [ص]، مستند است، از طریق عایشه می‌باشد. (۱۷)

موفقیت‌های نظامی

[حضرت] محمد [ص] به زودی با ضرورت تأمین معاش پیروان خود، که از مکه گریخته بودند، که اکنون «مهاجرون»

(هجرت کنندگان) نامیده می‌شدند، همچنین تازه مسلمانان در مدینه، که به انصار (یاوران) نامیده می‌شدند، مواجه گردید. [حضرت] محمد [ص] برای تأمین نیازهای آن‌ها، قطع طریق کردن کاروان اهل مکه را، که در راه بازگشت از سوریه و تحت رهبری ابوسفیان از قبیله قریش بود، مشروع دانست. حمله به کاروان در ماه رمضان سال ۶۲۴، ماه مقدسی که جنگ کردن در آن ممنوع بود، واقع شد. (۱۸) در میدان جنگ «بدر»، که قریب ۲۰ مایلی، (۳۲ کیلومتری) جنوب غربی مدینه قرار داشت، سپاه ۳۰۰ نفره مسلمانان با نیروی تقویتی قریب ۹۰۰ نفر از اهل مکه، که برای دفاع از کاروان گسیل شده بودند، رودررو گردید. (۱۹) حاصل نبرد پیروزی پیامبر بود که به نظر پیروانش، تأییدی الهی بر عقیده جدید او به شمار آمد. پیروزی در بدر پایه قدرت دنیوی اسلام را بنا نهاد. از این پس، اسلام وضع نظامی مستحکمی یافت.

سال بعد نیروهای [حضرت] محمد [ص] از ابوسفیان و اهل مکه در «أحد» شکست خوردند. پیامبر خود

نأکید داشت، آن را در قالبی عربی درآورد. (۲۱) او پیروان خود را موظف کرد که از این پس، در نمازهای خود، چهره شان را به سوی مکه برگردانند، نه همچون گذشته به سوی اورشلیم (۲: ۱۳۹). (۲۲) زیارت مکه، همچنین بوسیدن حجر الاسود تجویز شد، گرچه کعبه بت‌های کفار را در خود جای داده و حجرالاسود در دوره پیش از اسلام تقدیس شده بود. در قرآن، احکام دینی روزه گرفتن، صدقه دادن و نماز خواندن نیز اضافه شدند و ثبت گردیدند. در این دوره، دستورات اجتماعی و سیاسی در مورد ازدواج، طلاق، ارث و نحوه رفتار با بردگان و اسیران جنگی به همین منوال نیز اعلان و ترویج گردیدند.

قوانین مربوط به اجتماع کوچک مدینه به قوانین اسلام به عنوان یک دین جهانی و همچنین یک امپراتوری، تبدیل شدند. (۲۳) حکومت اسلامی از مدینه به سایر نقاط شبه جزیره عربستان و از آن جا به دیگر نقاط جهان گسترش یافت. اجتماع مذکور به منزله اخوت دینی تلقی شد: «در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند» (۴۹: ۱۰). فتوحات

مجروح شد، اما حیثیت او لطمه‌ای ندید. دو سال بعد او به نحو موفقیت‌آمیزی با حفر خندق به دور شهر، از مدینه در مقابل حمله خطرناک‌تری که توسط اهل مکه، بادیه‌نشینان و دیگر متحدان تدارک دیده شده بود، دفاع کرد. گفته می‌شود که شیوه حفر خندق در جنگ، که به کلی برای عرب‌ها نامتعارف بود، پیشنهادی بود که از سوی یک ایرانی در اردوگاه [حضرت] محمد [ص] مطرح شد. به تناسب پیروزی‌های [حضرت] محمد [ص]، شمار تازه مسلمانان نیز افزایش یافت. او به رهبری خود بر شهر مدینه اطمینان یافت. از آنجایی که او در تلاش خود برای عقد هم‌پیمانی مطمئنی با یهودیان مدینه ناکام ماند، به مخالفت با آنان برخاست و آنان را از کشتزارهایشان بیرون کرد و آن را میان پیروانش تقسیم نمود. (۲۰)

تبلور یافتن اسلام

[حضرت] محمد [ص] به تدریج، نظام خود را، هم از یهودیت و هم از مسیحیت جدا کرد و در حالی که بر استقلال آن

شگفت‌انگیز مسلمانان حاکی از موفقیت پیامبر در یکپارچه کردن پیروان مختلف خود، در نظامی متحد و مخلص می‌باشد.

شهرهای مقدس

بودند، تبعید شدند. [حضرت] محمد [ص] تقریباً در همین زمان ناحیه‌ای دور تا دور کعبه را به عنوان حرم، («ممنوعه» یا «مقدس») اعلام کرد. [البته] خود عبارت [تحریم] چندان روشن نیست: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاکند. پس نباید بعد از امسال به مسجد الحرام نزدیک شوند» (۲۸:۹).

مسلمانان صدر اسلام منطقه ممنوعه را چنان گسترش دادند که شامل مکه و مدینه هر دو بشود. اگر چه مقصود اولیه احتمالاً صرفاً بیرون کردن مشرکان، از منطقه مذکور] در خلال زیارت سالانه مؤمنان بود، آن‌ها مسیحیان و یهودیان را نیز به کسانی که ورودشان به شهرهای مقدس ممنوع بود، افزودند. غیر مسلمانانی که داخل منطقه مقدس می‌شدند، جان خود را به خطر می‌انداختند. (۲۴).

درگذشت [حضرت] محمد [ص]

[حضرت] محمد [ص] در ۸ ژوئن ۶۳۲ ناگهان احساس بیماری کرد و در حالی که

به این صورت مکه به مرکز مذهبی تبدیل شد، در حالی که مدینه به عنوان مرکز سیاسی باقی ماند. در خلال زیارت سال بعد، «خالد بن ولید» و «عمرو بن العاص» به آئین جدید جذب شدند. هر دوی آن‌ها نقش برجسته‌ای در پیروزی‌های نظامی اسلام ایفا کردند.

[حضرت] محمد [ص] در اوایل سال ۶۳۰ بهانه‌ای برای حمله به مکه یافت. او فاتحانه وارد شهر شد و باستان خود ۳۶۰ بتی را که در عبادتگاه شهر [خانه خدا] بودند شکست. در حالی که فریاد می‌زد: «حق آمد و باطل محو گردید.» او در پیروزی خود بر مکه، با نرمش و خودداری غیر معمول رفتار کرد. تنها ده تن از اهل مکه، که دشمنان با سابقه او

در اوایل سال ۶۳۰ بهانه‌ای برای حمله به مکه یافت. او فاتحانه وارد شهر شد و باستان خود ۳۶۰ بتی را که در عبادتگاه شهر [خانه خدا] بودند شکست. در حالی که فریاد می‌زد: «حق آمد و باطل محو گردید.» او در پیروزی خود بر مکه، با نرمش و خودداری غیر معمول رفتار کرد. تنها ده تن از اهل مکه، که دشمنان با سابقه او

نقد و ارزیابی

۱. عنوان سیره رسول الله نام ترجمه فارسی سیره ابن اسحاق است که در قرن هفتم توسط «شرف الدین محمد بن عبدالله بن عمر» و همچنین «رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی» ترجمه شد و نام اصلی سیره او، کتاب المبتدء و المبعث و المغازی بوده است.

۲. نام پیامبر اکرم ﷺ از همان ابتدا «محمد ﷺ» بود و تاریخ نام دیگر یا تشکیک درباره نام اصلی آن حضرت را در خود ثبت نکرده است.

۳. ماجرای سفر پیامبر اکرم ﷺ به شام در سنین طفولیت یا نوجوانی در منابع متعددی نقل شده است. گرچه برخی از محققان درباره بعضی از جزئیات این سفر و ملاقات با بحیرا تردیدهایی روا داشته‌اند، اما نسبت به اصل سفر و ملاقات با بحیرا، استعمال تعبیر «افسانه» استعمال درست و مناسبی نمی‌باشد.^(۱)

۴. مشهور، ازدواج پیامبر با خدیجه در سن ۲۵ سالگی است و معلوم نیست سن ۲۳ سال در نقل‌های تاریخی یافت شود.^(۲)

از سردرد شدید می‌نالید، در گذشت. او را همان جاکه جان سپرد، یعنی منزل عایشه، همسر مورد علاقه‌اش، به خاک سپردند. بعدها محل درگذشت او به مسجدی که در جوار آن قرار داشت، ضمیمه گردید و محل زیارتی برای مسلمانان نسل بعد شد.

[حضرت] محمد [ص]، که قدرت اصلی اش ایمان راسخ او به این نکته بود که شخصاً توسط خدا برای اجرای اراده الهی مبعوث شده، موفق به تأسیس یک دین، ایجاد یک دولت و بنای پایه‌های یک امپراتوری شد. همه افراد جامعه سیاسی - مذهبی او باید برادر باشند؛ هیچ تبعیضی میان آن‌ها جز به درجات تقوایشان نباشد. (۹:۱۱؛ ۱۳:۴۹).

[حضرت] محمد [ص] دو سال پیش از درگذشت، گروهی را برای مقابله با سوریه فرستاد که این کار جرقه جنگ دامنه داری شد که تنها پس از آن که اسلام بخش زیادی از اروپا، آسیا و آفریقا را فراگرفت، خاموش شد.

فیلیپ کی. هیتی

نویسنده کتاب «تاریخ اعراب»

۵. درباره سن خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر اقوال مختلفی وجود دارد. قول به ۴۰ سالگی گرچه مشهور است، اما نقل‌هایی نیز در دست است که سن او را به هنگام ازدواج با پیامبر، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۴۰، ۴۴، ۴۵ و ۴۶ ذکر کرده‌اند، ولی بسیاری قول به ۲۸ سال را ترجیح داده‌اند. (۳)
۶. آشنایی پیامبر با یهود و نصاری و تعالیم آنان - در حد برخورد و ارتباط آن حضرت با ایشان - جای انکار ندارد، اما اولاً، این به معنای متأثر شدن آن حضرت از این تعالیم و رسوخ آموخته‌ها به قرآن نیست - چنان که برخی از مستشرقان ادعا کرده‌اند. ثانیاً، به نظر می‌رسد مؤلف بی‌علاقه نباشد که به طور ضمنی، این ادعا را تثبیت کند که پیامبر با دیدن رفاه و ترقی موجود در یهود و نصاری و این واقعیت که آنان دارای کتاب مقدس‌اند، به فکر افتاده باشد برای قوم و قبیله خود کتاب مقدسی بیاورد! و حال آنکه نزول قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امر الهی و ناشی از اراده و تدبیر باری تعالی بوده و احساسات و عواطف شخصی یا قبیله‌گرایی نمی‌تواند
- کوچک‌ترین جایی در جریان نزول وحی داشته باشد.
۷. روایات رسیده از طریق امامان شیعه علیهم‌السلام تاریخ شروع بعثت پیامبر را ۲۷ رجب سال چهارم از عمر شریف ایشان ذکر کرده‌اند؛ چنان که برخی از روایات نیز تاریخ نزول آیات اولیه سوره «علق» را ۲۷ رجب سال چهارم عمر حضرت دانسته‌اند. البته اهل سنت شروع بعثت را به دلیل برخی قراین و ادله، ماه رمضان دانسته‌اند، که نویسنده مقاله مزبور نیز متأثر از همین دیدگاه است. (۴)
۸. از همان ابتدا بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روشن بود که آورنده وحی، «جبرئیل» و آنچه آورده است نیز «وحی الهی» است، و بعید نیست مراد نویسنده از تعبیر «خیلی زود روشن شد...» همان روایاتی باشد که در برخی از منابع اهل سنت نقل شده، مبنی بر اینکه پیامبر در ابتدای دریافت وحی، دچار شک و تردید و اضطراب و دودلی بود و پس از این که خدیجه با پسر عموی او - ورقه بن نوفل - آن حضرت را بر نبوتش مطمئن کردند، از حالت شک و تردید خارج شد! (۵)

نبود، بلکه بنا به قراین متعدد موجود در منابع اهل سنت، اسلام او به سال چهارم یا پنجم بعثت مربوط می‌شود.^(۸)

۱۳. آنچه در این مقاله توسط نویسنده نقل شده، همان افسانه مجعول «غرائیق» است که تاکنون نقدهای زیادی از سوی عالمان اهل سنت و شیعی بر آن نوشته شده است. این افسانه توسط برخی از دشمنان اسلام و به منظور خدشه دار کردن حقیقت قرآن و اثبات دخالت داشتن شیطان در جریان نزول آیات قرآنی، ساخته و پرداخته شده و در عصر حاضر نیز به وسیله «سلمان رشدی» مرتد مورد سوء استفاده قرار گرفته است.^(۹)

۱۴. گرچه سیاست مدار و دولت مرد بودن پیامبر در موفقیت‌های او به عنوان یک حاکم و رهبر مؤثر بود، اما پیامبر اکرم ﷺ پیش از آن که یک سیاست مدار باشد، یک پیامبر الهی بود و جذبات معنوی او و هدایت‌های ربانی او، در توجه مردم نسبت به او و موفقیت‌هایش نقش اول را داشتند.

۱۵. عمر جزو نخستین ایمان آورندگان به پیامبر نبود، بلکه بنابر قراین موجود،

۹. قرآن کریم نه شکل شعر و کلام منظوم داشت و نه شکل سجع کاهنان، بلکه در عین مسجع بودن و آهنگ داشتن، کلامی متمایز از دو قسم یاد شده محسوب می‌شد، و این حقیقتی است که کفار و مشرکان و دشمنان آن حضرت نیز بارها بدان گواهی داده‌اند.^(۶)

۱۰. گرچه برخی از مستشرقان سعی کرده‌اند قرآن را تنها معجزه مورد ادعای پیامبر تلقی کنند، اما روایات متعدد و حقایق تاریخی گواه بر آن است که آن حضرت بجز قرآن، معجزات فراوان دیگری داشته و قرآن تنها معجزه جاودان آن حضرت است. کتاب‌های متعددی توسط دانشمندان اسلامی برای ثبت معجزات گوناگون پیامبر تدوین شده‌اند.^(۷)

۱۱. تأکید بر مسأله معاد و روز واپسین در قرآن کریم، ربطی به قدرت مردم بر پاسخ‌گویی و عدم آن ندارد و در حقیقت، بیان یکی از حقایق انکارناپذیر در جهان هستی است که تمامی انبیا بر آن تأکید داشته‌اند.

۱۲. ابوبکر جزو ایمان آورندگان اولیه

- اسلام وی به مدت کمی پیش از هجرت به مدینه بر می‌گردد.^(۱۰)
۱۶. عایشه به دلیل جاه‌طلبی خود - چنان که نویسنده نیز خود معترف است - سعی در تفوق و برتری جویی نسبت به دیگر همسران پیامبر داشت و حتی در این مسیر، از اذیت پیامبر یا ایراد اتهام نسبت به برخی از همسران آن حضرت نیز دریغ نمی‌ورزید. پس وی نزد پیامبر دارای برتری و ترجیح نسبت به دیگر همسران آن حضرت نبود.^(۱۱)
۱۷. عایشه یکی از مکثرات در نقل حدیث است و بدین سبب، متهم به جعل حدیث شده است.^(۱۲)
۱۸. ماه رمضان جزو ماههای حرام نیست.
۱۹. سپاه مسلمانان در جنگ بدر، به تعداد ۳۱۳ نفر بود.^(۱۳)
۲۰. برخوردهای پیامبر با یهودیان، همواره به سبب پیمان شکنی آنان بود و نه به دلیل ناکامی پیامبر در تلاش برای عقد قرارداد هم‌پیمانی مطمئن با آنان.
۲۱. نظام دینی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی که پیامبر بنا نهاد، از همان ابتدا، مستقل، متمایز و جدای از نظام یهود و مسیحیت بود، نه آن که آن را به تدریج جدا کرده باشد علاوه بر آن پیامبر یک نظام اسلامی برپا کرد و نه یک نظام عربی.
۲۲. دلیل نماز خواندن مسلمانان به سمت «بیت المقدس» به سبب مقدس و مبارک بودن این مسجد بود، و چون یهودیان آن را مورد سوء استفاده قرار دادند، امر تغییر قبله از سوی خداوند به پیامبر ابلاغ شد.^(۱۴)
۲۳. اسلام از همان ابتدا، داعیه جهانی شدن داشت. از این رو، احکام قرآن نیز به عنوان «نذیراً للبشر» یا «نذیراً للعالمین» توصیف شده‌اند. بدین روی نمی‌توان این سخن را پذیرفت که قوانین اجتماعی یا سیاسی و اقتصادی مربوط به اجتماع کوچک مدینه، بعدها شکل تعمیم به خود گرفته‌اند.
- همچنین اسلام در پی تشکیل یک امپراتوری به معنای رایج آن نبود، بلکه در صدد ترویج یک دین و حاکمیت نظام دینی بود.
۲۴. مدینه به دلیل آن که توسط پیامبر اکرم به عنوان «حرم النبی ﷺ» اعلام و دخول کفار بدان جا ممنوع گشت، حکمی مشابه

حکم «مسجد الحرام» یافت. البته این که ادعا شده ورود غیر مسلمانان به داخل منطقه ممنوعه به معنای به خطر افتادن جانانشان بود، شاید ناشی از سخت‌گیری‌های افراطی خلیفه دوم باشد، وگرنه چه در سنت پیامبر و چه در روایات معتبر، دلیلی در دست نداریم که مؤید وجود حکم اعدام برای چنین مواردی باشد، بلکه حداکثر تعزیر و یا اخراج از حرم را به دنبال دارد.

محمد رضا جباری



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

پی‌نوشت‌ها

۱. محمد هادی یوسفی غروی، پیشین، ج ۱، ص ۳۶۳.
۲. ابن هشام، السیره النبویه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۸۸، ۳۱۳، ۳۲۰ و ۳۲۱ و ج ۲، ص ۲۱ - ۲۵.
۳. برای نمونه، ر.ک: ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۵ / قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح فی معجزات النبی و الائمه علیهم السلام، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ق / عبدالجبار همدانی، تثبیت دلائل النبوه، بیروت، دارالعریبه، ۱۹۶۶ / ابونعمین اصفهانی، دلائل النبوه، بغداد، مکتبه النهضة، ۱۹۸۳ / هاشم البحرانی، مدینه المعاجز الائمه الاثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۴. سید جعفر مرتضی عاملی، پیشین، ج ۲، ص ۳۲۷-۳۳۰.
۵. برای مطالعه نمونه نقدهایی که متوجه این افسانه است، ر.ک: همان، ج ۳، ص ۱۳۷-۱۴۸.
۶. برای مطالعه قراین یاد شده، ر.ک: همان، ج ۳، ص ۱۷۱-۱۷۷.
۷. سید جعفر مرتضی عاملی، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۷-۳۰۰.
۸. سید مرتضی عسکری، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ترجمه عطاء محمد سردار نیا، مجمع علمی اسلامی، ۱۳۶۸ / همو، احادیث ام المؤمنین عایشه، بیروت، مجمع العلمی الاسلامی، ۱۴۱۸ / همو، نقش عایشه در احادیث اسلام، ترجمه محمد جواد کریمی، تهران، دانشکده اصول دین، ۱۳۲۷.
۹. ابن هشام، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۳.
۱۰. سید جعفر مرتضی عاملی، پیشین، ج ۵، ص ۳۳۱.

۱. هاشم معروف الحسینی، سیره المصطفی؛ نظره جدیدة، قم، الرضی، ۱۳۷۱ / محمد هادی یوسفی غروی، موسوعه التاريخ الاسلامی، قم، الهادی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۲۸۹-۲۹۸.
۲. سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم ﷺ، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۱۰۵.
۳. همان، ج ۲ ص ۱۱۵-۱۱۶.
۴. همان، ج ۲، ص ۲۴۴ / محمد هادی یوسفی غروی، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۹.
۵. سید جعفر مرتضی عاملی، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۵-۳۱۴.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی